بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر 2](#_Toc428984220)

[مرور گذشته 2](#_Toc428984221)

[روایت سوم: 3](#_Toc428984222)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 3](#_Toc428984223)

[1.احتمالات « إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ»: 3](#_Toc428984224)

[2.انکار منکر از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر 3](#_Toc428984225)

[3.اختیار و عدم اختیار انکار در چهره 4](#_Toc428984226)

[4.منظور روایت از « مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ» 4](#_Toc428984227)

[5.افاده حرمت از جمله « مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ» 4](#_Toc428984228)

[6.حرمت تبعی انکار 5](#_Toc428984229)

[نکته‌ی اصولی 5](#_Toc428984230)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc428984231)

[روایت چهارم: 5](#_Toc428984232)

# مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر

## مرور گذشته

مرتبه‌ی اول، انکار قلبی بود که بروزات ضعیفی در وجنات شخص پدید می‌آمد.روایات این بحث را بررسی کردیم. در این روایات به دنبال این بودیم که آیا این انکار قلبی که با بروزات ضعیفی همراه است جزء مراتب امر به معروف و نهی از منکر به حساب می‌آید یا خیر؟

**بررسی روایات**

**روایت چهارم:**

روایت هفتم همین باب است.

**« مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيُّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَحَدَّ سِنَانَ الْغَضَبِ لِلَّهِ قَوِيَ عَلَى قَتْلِ أَشِدَّاءِ الْبَاطِلِ.»[[1]](#footnote-1)**

کسی که برای خداوند غضب نشان بدهد، برای جهاد،‌نیرومند می‌شود. پایه‌ی جهاد این است که غضب مناسبی از خود نشان بدهد.

در بعضی از روایات بغض و غضب در مقابل منکر آورده شده است. این یک نمونه از مجموعه روایات است. در این امر تردیدی نیست که غضب و بغض در معصیت واجب است.

**غضب و بغضِ دارای مبرزات**

اگر غضب و بغض را به شکلی معنا کنیم که دارای مبرزاتی باشند، در بحث ما اثرگذار است. اگر مقصود از غضب و بغض را یک حالت درونی بگیریم، این روایات دلالت بر همان بحث رضایت و کراهت نسبت به منکر، می‌کند. البته شاید تفاوتی داشته باشد که مرتبه‌ای بیشتر از کراهت است.

اگر احتمال دوم را بگیریم و بگوییم غضب و بغضی که در روایات آمده است به معنای عرفی است، یعنی غضب همراه مبرزاتی است. در ترکیب‌هایی که غضب آمده است، به شکلی معنا و مفهوم دارد که غضب انصراف به جایی دارد که نشان داده بشود. اگر این احتمال را قبول کنیم، در بحث ما واقع می‌شود. البته این احتمال دور از ذهن است.

**اظهار خشم از مراتب امر به معروف و نهی از منکر**

بحث مهم دیگر این است که اظهار خشم در مراتب اول، از مراتب امر به معروف و نهی از منکر است؟

تاکنون دلیل خاصی را پیدا نکردیم. در نتیجه می‌گوییم این نکات بر دو قسم هستند:

1.گاهی چهره‌ی برافروخته، برای اظهار نارضایتی از منکر است. ممکن است خود شخص نیز این مطلب را نفهمد ولی دیگران می‌فهمند. این قطعاً در امر به معروف و نهی از منکر جاری نمی‌شود.

2.گاهی این حالات، دارای باری اضافی است و با علم و عمد این کار را انجام می‌دهد. یعنی خشم را طوری با چهره نشان می‌دهد که منع می‌کند. در نهی تقید به لفظ نداریم. مثلاً آدم کر و لال با اشارات این کار را می‌کند. در اینجا نیز اشاراتی وجود ندارد، ولی به شکلی منع می‌کند.

**جمع‌بندی**

ما در این امر، قائل به تفصیل هستیم، یعنی گاهی افعال جناحی ناظر به زجر و کار عمدی نیست. ولی گاهی شخص عمداً این کار را انجام می‌دهد و انشاء می‌کند. این قسم دوم شامل مراتب امر به معروف و نهی از منکر است.

اما اگر در روایات،‌ دلیل خاصی باشد، قطعاً وارد امر به معروف و نهی از منکر است.

**نتیجه‌‌گیری**

نتیجه مطالبی که تاکنون بیان کرده‌ایم عبارت است از:

1.حال قلبی دارای احکامی بود.

2.ابراز بدون زجر، واجب است.

3.ابرازی با عمد و همراه با زجر که مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر است و شرایط آن را می‌گیرد.(-10)

**روایت پنجم:**

1. **وسائل الشیعه، ج 16؛ ص 133** [↑](#footnote-ref-1)